

ترامپ و نتانیاهو با اظهاراتی وقیحانه درباره شهادت سردار سلیمانی، خروج از برجام، حمله موشکی به ایران و شرور خواندن ایرانی‌ها بار دیگر خباثت خود را بی نقاب به ملت بزرگ ایران نشان دادند

هرزه‌گویی کفتارها



قدرت در غزه و بازگشت مردم به شمال نشان می‌دهد اهداف اسرائیل، پس از آن‌همه جنایت‌ونسل‌کشی تحقق نیافته‌واین شکست‌ها پیامدهای جدی برای اشغال‌گران خواهد داشت. او تصریح کرد: ترامپ هم در این بازی شریک است؛ وقتی اسرائیلی‌ها تلاش می‌کنند با اعطای جایزه یا القاب نمادین، وجهه خودشیفته‌او را تقویت کنند، در حقیقت ضعف خود را پنهان می‌کنند. تمام این نمایش‌ها، پروپاگاندا و تلاش برای منحرف کردن افکار عمومی است.

این مستندساز حوزه محور مقاومت درباره ناکامی نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در برابر عملیات ۷ اکتبر، گفت: غزه‌تحت شدیدترین رصد‌های ماهواره‌ای و پهپادی بود؛ا رژیم صهیونیستی نتوانست عملیات حماس را پیش‌بینی کندو حتی پس از آن نتوانست بدون مذاکره و بدون پرداختن بها، اسیران خود را بازگرداند. این ضعف عمیق امنیتی و اطلاعاتی تل آویو با هیچ نمایش قدرتی پنهان نمی‌شود و بازنده اصلی آن هم خود نتانیاهاوست.

اسلام‌زاده نقش توان موشکی ایران را در این زمینه، کلیدی دانست و افزود: توان موشکی کشور و عملکرد نیروهای هوافضا، نقشه‌هایی را که دشمنان برای جمهوری اسلامی طراحی کرده بودند، خنثی کرد. امروز حتی کسانی که دوره موشک را تمام شده می‌دانستند، به این واقعیت میدانی اعتراف می‌کنند. وی اظهار کرد: سر و صدای رسانه‌ای دشمن نباید واقعیت را تحت تأثیر قرار دهد؛ مردم خود می‌دانند چه اتفاقی رخ داده‌است.

اسلام‌زاده تصریح کرد: نتانیاهاو از طریق جنگ نتوانست‌به اهدافش برسد؛ رژیم اشغالگر قدس پس از بیش از ۷۲۰ روز جنگ وحشیانه علیه مردم بی‌دفاع، نه تنها حماس را سرنگون نکرد، بلکه مجبور شد با آتش‌بس اسیران را آزاد کند. بازنده اصلی، نخست‌وزیر اسرائیل است و هر اقدام نمایشی امروز، تنها تلاشی برای بازگرداندن موقعیت از دست‌رفته‌اوست.

فضای رسانه‌ای یک‌دیگر را تغذیه می‌کنند؛ اما واقعیت میدانی چیز دیگری است. آمریکا ورژیم صهیونیستی به خوبی از توان دفاعی و قدرت موشکی ایران آگاه هستند و می‌دانند هر گونه ماجراجویی نظامی، بهای سنگینی برایشان خواهد داشت و همین استیصال آن‌ها را به هرزه‌گویی درباره سرداران و قهرمانان شهید وادار می‌کند. سادات اظهار کرد: در جنگ اخیر ۱۲ روزه، اگر آمریکا و اسرائیل تصور می‌کردند توان ادامه دارند، هرگز درخواست آتش‌بس نمی‌دادند. آن‌ها هر چه در توان داشتند به میدان آوردند، اما جمهوری اسلامی در ابتدای مراحل بعدی بازدارندگی خود بود. تفاوت ما با رژیم صهیونیستی همین است؛ ما از اعتقاد و آرمان خواهی، در مسیر صعود و خلافت‌ی دفاعی حرکت می‌کنیم و آن‌ها در سراسرایی‌ی زوال و بن‌بست راهبردی.

■ شکست‌های واقعی و نمایش‌های رسانه‌ای

محسن اسلام‌زاده، کارگردان و مستندساز حوزه محور مقاومت هم در گفت‌وگو با روزنامه قدس، نمایش دیروز در سرزمین‌های اشغالی را دستاویزی برای فرار از شکست‌های واقعی دانست و گفت: تلاش‌های تبلیغاتی نتانیاها و ترامپ بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، رفتندی برای پوشاندن شکست‌ها و ناکامی‌های سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی است. بازنده واقعی این روزها «نتانیاهاو» است و هر اقدام نمایشی تنها تلاش برای حفظ موقعیت سیاسی است.

وی با اشاره به پرونده آزادی اسیران اسرائیلی و گرافه‌گویی نتانیاهاو در حضور ترامپ در کنست، تأکید کرد: پیوند دادن موضوع ایران به بحث آزادی اسیران، صرفاً نوعی فرافکنی است؛ تل آویو تلاش می‌کند توجه افکار عمومی را از شکست‌های بزرگ خود منحرف کند. بازگشت حماس به

امروز با بحران‌های عمیق داخلی و فروپاشی جایگاه بین‌المللی سرزمین‌های اشغالی، با هر زهد رایی‌های فراوان همراه بود؛ چنان‌که رسم کفتارهاست که بر پیگر کشته‌ها بگردند و قهقهه مستانه سر بدهند؛ از سیاست‌گراری برای به شهادت رساندن سردار سلیمانی تا تشبیه قمار با به کوروش کبیر. نتانیاهاو دیروز بازها کوشید با تمجید از ترامپ، شخصیت خودپسند او را راضی نگه دارد و هم‌زمان ترس خود را از قدرت بازدارنده جمهوری اسلامی پنهان کند.

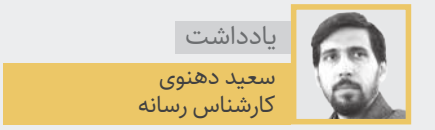
با وجود این در حالی که نخست وزیر رژیم صهیونیستی با ژست پیروزمندانه در کنست و در حضور ترامپ با گنده‌گویی‌هایی از جنس اینکه «سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک ایران را نابود کردیم»، از خروج آمریکا از برجام و حمایت‌واشنگتن از حملات رژیم صهیونیستی علیه ایران قدردانی می‌کرد، ناخواسته به یک واقعیت مهم اعتراف کرد: موشک‌های ایرانی هنوز هم کابوس اشغال‌گران است. اما در همان ساعات، نشریه آمریکایی نشنال اینترست در تحلیلی کم‌سابقه اعتراف کرده‌یج سامانه دفاعی قابل اتکایی در غرب برای مقابله با موشک‌های ایرانی وجود ندارد.

کارشناسان در گفت‌وگو با قدس به ایجاد همین تناقض آشکار میان این هرزه‌رایی‌های سیاسی سران و واقعیت میدانی پرداختند.

■ شو سیاسی برای فرار از بن‌بست مقاومت

در حالی که نمایش تبلیغاتی نتانیاهاو و ترامپ در کنست با عبارت‌های پرطمطراق و لفاظی‌های ضد ایرانی همراه بود، کارشناسان معتقدند این «شو سیاسی» نه‌از موضع قدرت، بلکه از دل درماندگی و شکست رژیم صهیونیستی در برابر محور مقاومت شکل گرفته‌است.

«سیداحمد سادات» مدیر پیشین شبکه العالم و استاد دانشگاه تهران در گفت‌وگو با روزنامه قدس، تأکید کرد: نتانیاهاو



یادداشت

سعید دهنوی
کارشناس رسانه

وقتی گروهک‌های تروریستی

رفاه را در سیستان و بلوچستان هدف می‌گیرند

آتش در معیشت مردم

پیشرفت هر منطقه‌ای بر سه ستون امنیت پایدار، شبکه زیرساختی قابل اتکا و سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، همدلی و مشارکت مردم استوار می‌شود. این سه مؤلفه در نظر بهای توسعه به عنوان محورهای کلیدی شناخته

شده‌اند و شواهد میدانی نشان می‌دهد در استان سیستان و بلوچستان نیز همین عناصر، تعیین‌کننده‌اند. از منظر دینی و فرهنگی نیز پیوند این مؤلفه‌ها روشن است؛ قرآن کریم مردم را به پرهیز از نزاع فرامی‌خواند - «وَلَا تَنَازَعُوا فَعَشَاؤُا وَتَنَازَعُوا یُفْشَاؤُا وَتَفْشَاؤُا هُوَ أَوَّلُ رِیْخٍ» - یا آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» - و این سفارش‌ها دقیقاً با ژانب‌بدهنده نیازمندی جوامع به وفاق و انسجام برای رسیدن به امنیت و توسعه‌اند.

در تجربه انقلاب اسلامی و در گفتمان امامین انقلاب نیز همواره بر وحدت کلمه و «اتحاد مقدس» تأکید شده‌است؛ مفهومی که رهبر معظم انقلاب پس از ایام دفاع مقدس ۱۲ روزه برای توصیف همدلی ملت به کار بردند. همین نگاه، امروز در سطح استان سیستان و بلوچستان قابل مشاهده است: انتخاب استاندار از میان نخبگان

نقشه‌های دشمن انسجام ملی ما را هدف گرفته است

لقلقه زبانی ترامپ و غلغله اظهارات برجامی!

در نکوهش و مخالفت با برجام، بر زبان دشمنان ایران جاری شده، مخالفان را به

با د انتقاد گرفته و نوشتند؛

هموایان داخلی با ترامپ

و نتانیاهاو باید از خجالت آب شوند!

در مورد اینکه برجام مثبت بوده یا تأثیرات منفی برای کشور به بار آورده، تاکنون تحلیل‌های بسیاری ارائه شده است، اما در شرایطی که با حمله نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک ایران و در ادامه فعال سازی مکانیسم ماشه، عملاً پوسته برجام هم فرو پاشیده و از بین رفته است، نیش قبر این توافق و کوبیدن آن بر سر یک‌دیگر چیزی جز حاشیه‌سازی و به ضرر و زیان کشور نیست. دوقطبی تازه ایجاد شده بر سر موضوع اخیر و

ترامپ و نتانیاهو با اظهاراتی وقیحانه درباره شهادت سردار سلیمانی، خروج از برجام، حمله موشکی به ایران و شرور خواندن ایرانی‌ها بار دیگر خباثت خود را بی نقاب به ملت بزرگ ایران نشان دادند

۴ دلیل ایران

برای غیبت در اجلاس شرم‌الشیخ

در این یادداشت قصدم پاسخ به چهار پرسش کلیدی زیر است:

چرا ایران در بازی طراحی شده آمریکا شرکت نکرد؟ نسبت اجلاس شرم‌الشیخ و منافع ملی ایران از نگاه واقع‌گرای دفاعی چیست؟ آیا همیشه باید از سیاست صندلی خالی اجتناب کرد؟ و سرانجام اینکه راهبرد ایران در قبال آینده غزه چیست؟ نشست شرم‌الشیخ آینده غزه را شکل می‌دهد، اما ایران یکی از طرف‌های آن نخواهد بود؛ زیرا این اجلاس صرفاً برای مشروعیت‌بخشی به طرحی برگزار شده که اساس آن نادیده گرفتن حقوق مردم فلسطین است.
توجه داشته باشید که ایران به این نشست دعوت شده تا صرفاً نقش «مجلس گرم‌کن» را ایفا کند، نه آنکه در تصمیم‌گیری یا حتی تصمیم‌سازی مشارکت واقعی داشته باشد.

حماس با وجود پذیرش شرایط آتش‌بس اعلام کرد در این اجلاس شرکت نمی‌کند؛ چراکه به خوبی می‌داند این نشست برای تأیید طرحی برگزار می‌شود که هدف آن خلع سلاح حماس و حذف نقش آن در آینده غزه است. این روند در راستای پیشبرد راهبرد آمریکا برای برقراری صلح از طریق قدرت است؛ راهبردی که در عمل، حاکمیت اسرائیل بر سرنوشت غزه را تثبیت می‌کند و مشخص نیست چه زمانی اسرائیل حاضر به خروج کامل از این منطقه شود. این روند حتی تشکیل دو دولت را نیز برای سال‌ها به تعویق خواهد انداخت.

بر این اساس، حضور ایران در چنین نشستی به معنای همراهی و در نهایت پذیرش طرحی است که نه تنها به کاهش تعارضات میان فلسطینی‌ها و اسرائیل نمی‌انجامد، بلکه آن‌ها را تشدید می‌کند. حتی اگر بر فرض محال، جمهوری اسلامی ایران رویکرد خود را تغییر می‌داد و مثلاً رسماً اعلام می‌کرد که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد و مسئله فلسطین را به مردم آن واگذارد می‌کند، باز هم تنها در صورتی می‌توانست در چنین نشستی شرکت کند که حداقل امتیازی متقابل دریافت کرده باشد. از منظر رئالیسم دفاعی نیز شرکت ایران در این اجلاس چیزی جز بازی در زمینی که آمریکا طراحی کرده نیست؛ آن هم بدون هیچ بهره‌برداری در راستای منافع ملی.

در پاسخ به کسانی که معتقدند ایران باید سیاست «صندلی خالی» را کنار بگذارد و برای تبیین سیاست‌های خود در اجلاس‌های بین‌المللی حضور یابد، باید گفت: ایران در این نشست امکان مؤثری برای ارائه دیدگاه‌های خود ندارد. چرا؟ روشن است: یا باید در آنجا شمشیر نقد را برکشد و تمام ظلم‌هایی را که در این دو سال بر مردم فلسطین و غزه رفته بیان کند، که با توجه به ترکیب کشورهای دعوت شده، در انزوای کامل قرار خواهد گرفت و حتی فضای مثبتی که به واسطه بیانیه هوشمندانه وزارت خارجه درباره پذیرش آتش‌بس در غزه ایجاد شده، از بین خواهد رفت؛ یا باید به بیان سخنان کلی، دوپهلو و تعارفات دیپلماتیک بسنده کند که نتیجه آن، تأیید ضمنی نتایج کنفرانس خواهد بود.

بنابراین، سیاست «صندلی خالی» در مورد اجلاس‌هایی که دستور کار آن‌ها محصول کار مشترک همه اعضاست، اشتباه است؛ اما این اصل در مورد نشست شرم‌الشیخ که دستور کار آن از قبل توسط آمریکا دیکته شده، کارآمد نخواهد بود. علاوه بر این، با توجه به مجموعه تحولات چند ماه اخیر، ایران در شرم‌الشیخ جای مانور ندارد و در موقعیتی نیست که بتواند ابتکار تازه‌ای در چنین اجلاسی که همه چیز از پیش تعیین شده، ارائه دهد. اگر ایران بخواهد و بتواند، باید ابتکار برگزاری اجلاس‌هایی در چارچوب سازمان همکاری‌های اسلامی، مثلاً در قاهره را در دست بگیرد؛ شاید در چنین نشستی، با همکاری سایر کشورها بتوان فضای جدیدی برای همکاری میان کشورهای اسلامی در حمایت از مردم فلسطین - نه لزوماً گروه حماس - ایجاد کرد.

در نهایت، اهل نظر به خوبی می‌دانند که دلیل اصلی عدم حضور ایران در اجلاسی که از سوی آمریکا طراحی شده چیست. پیام وزیر خارجه صرفاً یک بهانه دیپلماتیک است که منطق آن برای کارشناسان پذیرفتنی نیست. دلیل واقعی مشارکت نکردن ایران در چنین نشستی، احترام به حقوق مردم فلسطین است؛ چراکه این اجلاس، در نهایت، حقوق مردم فلسطین را در آینده غزه نادیده می‌گیرد و سلطه اسرائیل را در مناطقی که از نظر سازمان ملل اشغالی محسوب می‌شوند، تثبیت می‌کند.

فراخبر

هدایت جاوید | بخش بزرگی از نمایش صلح‌طلبی دیروز دونالد ترامپ در «کنست» و همچنین «شرم‌الشیخ» روی یک واژه متمرکز بود: ایران. رئیس‌جمهور شوم‌ن ایالات متحده که الحق و الانصاف، در بازی‌گیری از رخداد‌های مختلف به نفع شخص خود استاد است؛ پس از شهید و زخمی شدن بیش از ۳۰۰ هزار تن در غزه توسط ماشین جنگی رژیم صهیونیستی، بدون محکوم کردن این نسل‌کشی آشکار، جمهوری اسلامی را محور نصایح و لفاظی‌هایش قرار داد. در نهایت شاید بتوان پیام رئیس‌جمهور دونالد برای تهران را در این چند جمله خلاصه کرد: «دست از تهدید همسایگان بردارید، از تأمین مالی شبه‌نظامیان دست بکشید و حق موجودیت اسرائیل را بر رسمیت بشناسید. ه‌روقت شما آماده‌توافق باشید، ما آماده‌ایم؛ این بهترین تصمیم ایران خواهد بود». ترامپ جوژه در میان

پریدن به یک‌دیگر در فضای مجازی آن هم در فضای حساس کنونی دقیقاً بازی در زمین جنگ روانی دشمن است، واقعیت این است که باراک اوباما می‌داند که



دونالد ترامپ و نتانیاهاو معتقد به ایجاد صلح از طریق قدرت؛ در دشمنی با ایران هیچ تفاوتی ندارند؛ یکی سعی داشت با پنبه سر بریده و با قایم شدن پشت میز مذاکره منافع خود در رابطه با ایران را تأمین کند و دیگری با تهدید و تطمیع. آنچه برای ما به عنوان جامعه ایرانی مهم است این است که حواسمان به دوقطبی‌سازی کاذب و مضر باشد و از ایجاد حاشیه که آزارش در وهله نخست گریبانگیر کشور می‌شود حتماً پرهیز کنیم.